

## میزگرد رادیویی BBC

برنامه صحبت اهل نظر

در باره انتخابات ششمین دور مجلس شورای اسلامی  
با شرکت داریوش همایون، منصور حکمت و مهدی خانبابا تهرانی  
5 مارس 2000

مجری برنامه افشین امیرزاده - اکنون که مرحله اول انتخابات مجلس با پیروزی گروه‌های موسوم به اصلاح‌طلب به پایان رسیده است، این سوال مطرح می‌شود که نیروهای مخالف جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور در این رابطه چه موضعی گرفته‌اند! قبل از برگزاری انتخابات برخی از چهره‌های میانه‌رو و مخالف حکومت در خارج با انتشار بیانیه‌ای از مردم خواستند در انتخابات شرکت کنند و به گفته خودشان به نامزدهای اصلاح‌طلب رای بدهند. مهدی خانبابا تهرانی یکی از این چهره‌هاست که در میزگرد امشب ما شرکت دارد. از سوی دیگر بعضی از گروه‌ها از جمله حزب کمونیست کارگری ایران انتخابات را تحریم کردند. منصور حکمت از رهبران این حزب هم در برنامه امشب شرکت دارد. شرکت کننده دیگر این میزگرد داریوش همایون، ریزن شورای مرکزی حزب مشروطه خواهان ایران است.

امیرزاده - آقای همایون، موضع شما و حزب شما در قبال این انتخابات چه بود؟  
همایون - ما با شرکت گسترده مردم در انتخابات موافق بودیم. به نظر ما مردم باید از این فرصت برای شکست دادن انحصار طلبان و تضعیف حزب الله - چه در مجلس و چه در صحنه سیاسی ایران - استفاده می‌کردند. ما خوشحالیم که مردم با این ابعاد گسترده و بی‌سابقه در انتخابات شرکت کردند. رای مردم در جهت تضعیف حزب الله و تقویت کسانی است که به مردم تکیه دارند. این انتخابات تاثیر فوق‌العاده‌ای در فرآیند دموکراسی در کشور خواهد داشت.

امیرزاده - دو سه روز قبل از انتخابات ما گفت‌وگویی با شاهزاده رضا پهلوی وارث تاج و تخت ایران داشتیم. ایشان گفتند که در شرایط امروز ایران انتخابات معنا ندارد. این بیان با نظر شما فرق دارد!  
همایون - من نمی‌دانم ایشان چه گفته‌اند. به نظر من این انتخابات در شرایط امروز ایران معنا دارد و معنا هم پیدا کرده است. البته قبلاً معنا نداشت؛ ولی مردم از سه سال پیش به این سو در این سه انتخاباتی که در این مدت انجام شده شرکت کردند. جهت معینی را هم برگزیده، به آن رای داده‌اند. قدم‌به‌قدم هم جبهه انحصارگری را عقب رانده و آشفتگی فوق‌العاده و بی‌سابقه‌ای را در صفوف حکومت جمهوری اسلامی به وجود آورده‌اند که آشفتگی‌های ما در بیرون و تناقضاتی که با آن سروکار داریم در مقابل آن به حساب نمی‌آید.  
امیرزاده - آقای تهرانی، شما هم به همین دلیل از مردم خواستید در انتخابات شرکت کنند؟  
تهرانی - ما از دوم خرداد 1376 به این سو متوجه شدیم که مردم وارد پیکار سرنوشت‌ساز شده‌اند. تا این تاریخ حزب و گروهی شکل نگرفته بود که بتواند به مردم آنطور که باید و شاید راه را نشان بدهد. یکی از پیروزی‌های گفتمان این انتخابات، تشکیلاتی بودن آن بود. با اینکه برای دگراندیشان هنوز هم حق تحزب و اظهار وجود ممکن نیست؛ اما میزان معینی از نیروهای اصلاح‌طلب در این پروسه سامان پیدا کرده‌اند.  
ما این انتخابات را آزاد نمی‌دانستیم؛ اما می‌دانستیم که در ایران هیچ‌گاه انتخابات به مفهوم دقیق کلمه آزاد نبوده است. در فضایی که بر اثر فشار مردم و از پایین باز شده، ما متوجه یک رویارویی میان طرفداران نظام شدیم. تحولات آتی جامعه بستگی به شرکت مردم و نوع موفقیتشان دارد. ملت ما در یکی از مراحل اساسی چالش بزرگ تاریخی‌اش برنده شده است. ما برای این که گامی در جهت تحول مثبت جامعه و استقرار مردم‌سالاری برداریم، این بیانیه را امضاء کردیم. 65 نفر از روشنفکرانی که به جنبش چپ و لیبرال وابسته‌اند، همچنین برخی از متخصصین ایرانی این بیانیه را امضاء کرده‌اند. ما مردم را فراخواندیم که در انتخابات مستقیماً شرکت کنند! چه خوب که شرکت کردند. از نظر ما این انتخابات گام بلندی در راستای گشوده شدن راه به سوی مردم‌سالاری است.

امیرزاده - آقای حکمت، شما این انتخابات را تحریم کرده بودید!  
منصور حکمت - مساله خیلی روشن است. فکر هم نمی‌کنم که دیگر دوستان انکار کنند که این انتخابات مشروعیت نداشت. انتخابات نبود. مرجع بالای انتخابات، پارلمان ایران نبود.  
حکومتی که این انتخابات را برگزار کرد، مشروعیت قانونی ندارد. از نظر ما - در حکومت دست راستی ارتجاعی و مبتنی بر سرکوب - یکی از ارگان‌های اداری جامعه در ساختار حکومتی خودش انتخاباتی براه انداخته است؛ تا ترکیب جناح‌های درونی رژیم را در این مجمع مشخص کند. همین آقایان تهرانی و همایون اگر

در کشوری که زندگی می‌کنند به ایشان گفته شود که انتخابات آن کشور باید مذهبی باشد و انتخاب شوندگان هم باید مذهبی باشند و سابقه فاشیستی داشته باشند؛ تا اجازه شرکت در انتخابات را داشته باشند، مجلس برگزارکننده هم باید مجلس مسیحیت کشور باشد؛ آیا مردم را به شرکت در چنین انتخاباتی تشویق می‌کنند؟ با این استدلال که مردم از پدیده‌ای به اسم «انتخابات» برای عقب راندن کل حاکمیت استفاده می‌کنند تا مشروعیت کل حکومت را زیر سوال ببرند و شکاف درون حاکمیت را تعمیق کنند، نمی‌توان مردم را به شرکت در چنین نمایشی تشویق کرد. آیا برای مردم این روش، تنها شیوه زیر منگنه گذاشتن حکومت است؟ آیا جنبش وسیع زنان برای احقاق حقوقشان شکل انتخاباتی داشته است؟ آیا وقایع تیرماه شکل انتخاباتی داشته است؟ آیا نهضت کارگری و تظاهرات مختلف شکل انتخاباتی داشته است؟ چرا فکر می‌کنید تنها راه دخالت مردم در سرنوشتشان و خلاص شدنشان از دست حاکمیت دست راستی مرتجع و تحمیلی، استفاده از ابزارهای همان حاکمیت است؟

دوستان ما به مردم گفتند: بروید و به یکی از جناح‌های حکومتی رای بدهید! اگر کیانوری این کار را می‌کرد و مثلاً از مردم می‌خواست که از جناح خط امام دفاع کنند، فغان همه درمی‌آمد. می‌گفتند این کار همکاری با جمهوری اسلامی است؛ اما دفاع از قوه مجریه جمهوری اسلامی در سال 2000 اشکالی ندارد! امیرزاده - پس شما برخلاف نظر آقای همایون و آقای تهرانی معتقد نیستید که این انتخابات گامی به سوی مردم‌سالاری است؟

حکمت - برگزاری این انتخابات ناشی از ناتوانی رژیم در مقابل حرکت مردم است؛ حرکاتی مثل وقایع تیرماه، اعتصابات کارگری و تخصص دانشجویان دختر. جمهوری اسلامی دارد عقب می‌نشیند. عقب‌نشینی حکومت یک پیروزی برای مردم است. اما این وضعیت به این معنا نیست که روش تحمیل این عقب‌نشینی همان است که آقایان توصیه می‌کنند! آیا آقای تهرانی که به آقای خاتمی رای داده، مسئول اعمال دولت خاتمی هم هست؟! داریوش فروهر را در همین نظام خاتمی کشته‌اند. آیا ایشان مسئولیت این قتل را هم به عهده می‌گیرد؟ نمی‌شود به حکومتی رای داد و بعد هم از اعمالش دست شست!

امیرزاده - آقای تهرانی، ایشان اشاره‌ای به شما در طرفداری از آقای خاتمی و تشویق مردم به شرکت در انتخابات دارند.

تهرانی - کم‌لطفی فرمودند. به یک دلیل بسیار واضح. ما حق رای نداشتیم و رای هم ندادیم. بدون شک اگر حق رای می‌داشتیم، عرصه انتخابات را هم به عنوان یکی از ابزارهای نبرد طبقاتی جامعه تلقی کرده، در آن شرکت می‌کردیم. شرکت در انتخابات یکی از اشکال و راه‌های مشارکت مردم برای رسیدن به حاکمیتشان است. همه مردم که نمی‌توانند به یک شکل مبارزه کنند! بخشی از مردم اعتصاب می‌کنند، برخی هم با رای خودشان به میدان می‌آیند. مردم باید سنگر به سنگر و با تغییر توازن قوا در حکومت، سیستم را چنان فلج کنند که دیگر توان مقابله با مردم را نداشته باشد. جامعه ایران باید به سمت یک همه‌پرسی برای تدوین یک قرارداد اجتماعی نوین پیش برود. بحث این نیست که در این مرحله برویم یا نرویم! این یک بحث طولانی تاریخی است. واقعیت این است که در آستانه قرن بیست و یکم، دوران گروه‌های کوچک آوانگارد - که سرنوشت ملتی را رقم بزنند - سپری شده است. آگاهی در سطح جامعه خیلی بالاست.

زنان امروز آموزگاران نسل جوان بعد از انقلاب هستند. همین جوانان مذهبی و همین مادران امروز که دختران جوان دوران انقلاب بودند، با قرائت خودشان از مذهب در برابر رژیم انحصارطلب و پا به گور ایستاده‌اند.

همه می‌دانند که این انتخابات در چارچوب جمهوری اسلامی بود. من هم این را می‌دانم؛ اما فعلاً این تنها امکان عرصه عمومی و ممکن است که مردم بتوانند در آن با رای خودشان عرض اندام کنند. امیرزاده - آقای همایون، مشروطه خواهان در ابتدا صحبت از براندازی می‌کردند؛ ولی حالا از انتخابات شیوه‌های دموکراتیک سخن می‌رانند. از چه زمانی شما استراتژی‌تان را تغییر داده‌اید؟ همایون - استراتژی ما هیچ‌گاه تغییر نکرده است. ما از آغاز به دنبال استراتژی پیکار سیاسی مردمی بودیم؛ پیکار سیاسی مردمی هم یعنی مبارزه‌ای دموکراتیک! اما براندازی و سرنگونی هم در نتیجه پیکار سیاسی دموکراتیک می‌تواند حاصل شود. اتفاقاً در 10/12 سال گذشته 99% «براندازی‌ها و سرنگونی‌ها» با پیکار سیاسی مردمی آشنا شده‌اند. اگر ما می‌گوییم «سرنگونی» نباید به کشتن و زدن و از درخت آویزان کردن افاده بشود! ابد!

از نظر ما این نظام مورد قبول مردم نیست، ناپهنگام است، با دنیای امروز نمی‌خواند، با جامعه جهانی خوانایی ندارد؛ به همین دلیل هم باید تغییر کند. باید یک نظام دموکراتیک جانشین آن شود! آنچه به ما دل و جرات می‌دهد که در این مبارزه شرکت کنیم، کشف میدان‌های تازه مبارزه توسط مردم است. اعتصابات و تظاهرات و دیگر اشکال مبارزه مردم هم اساساً بعد از دوم خرداد میسر شده است. پیش از آن قابل تصور نبود که دانشجویان بتوانند تظاهرات کنند؛ چه برسد به این که بریزند توی خیابان، یا این‌که روزنامه‌ها دست‌گشاده‌ای داشته باشند. به قول یک مرجع خارجی: «در ایران چیزی نیست که زیر ذرهبین نباشد» چنین موفقیتی، متعلق به کارگران و جوانان هم هست! اکثر نیروهایی که این مبارزه را به پیش می‌برند، جوانان و زنان هستند که در حین برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، در انجمن‌های شهر و روستا فعال بودند. کسی از خارج نرفته است. شرکت در انتخابات به این معنا نیست که تنها راه مبارزه با جمهوری اسلامی شرکت در انتخابات است. ابداً! مسلمان‌های دیگری هم وجود دارد؛ مثل تظاهرات، اعتصابات، اعتراضات، طومار نوشتن‌ها و... اما با این پیروزی دست مردم برای شرکت در اشکال دیگر مبارزه بازرتر خواهد شد.

امیرزاده - آقای حکمت، وقتی مردم سرنوشت خودشان را به دست می‌گیرند. وقتی با 27 میلیون رای نشان می‌دهند که احتیاجی به قیم ندارند، تکلیف گروه‌های خارج چه می‌شود؟

حکمت - ما یک حزب کمونیستی هستیم و برای انقلاب سوسیالیستی و آزادی‌های وسیع انسانی مبارزه می‌کنیم. ما حتا در خود انگلستان هم در انتظار آینده‌ای برای خودمان نیستیم. تشکیلات خارج کشوری هم نداریم. این گروه‌ها و احزابی هم که در خارج هستند، رهبرانشان از ترس ترور و اعدام از کشور خارج شده‌اند. به همین دلیل بهتر است در مورد احزاب غیرقانونی صحبت کنیم!

روزی که «حزب کمونیست کارگری ایران» و «اتحادیه سراسری کارگران ایران» و «سازمان سراسری زنان ایران» قانونی باشند، راجع به این مسایل هم صحبت خواهیم کرد.

تهرانی - من با حکمت موافقم که اپوزیسیون خارج معنی ندارد. آن‌هایی که بیرون آمده‌اند، تحت تعقیب بوده‌اند. اگر می‌ماندند سرشان به باد می‌رفت. به محض این‌هم که آزادی‌ها برقرار شود، باید بتوانند برگردند، و اجازه و حق فعالیت سیاسی داشته باشند! برای تامین حقوق این‌ها هم باید مبارزه کرد!

اما ما در خارج زندگی می‌کنیم. این‌جا هم هرکس مبارزه را به شیوه خودش ادامه می‌دهد. خارج سهم بزرگی در روشنگری و گشودن فضا در ایران داشته است. این درست نیست که بیرون سهم ندارد. اتفاقاً فریاد مرتجعین ایران از بیرون و تریبون‌های بیرون بلند است. بیرون مرتباً مردم را تهییج می‌کند. آنها هم مرتباً از توپنه‌های امریکا برای آشوبگری در ایران ناله می‌کنند که البته بیشتر به طنز شبیه است.

امیرزاده - آقای همایون، شما چه وظیفه‌ای برای خودتان قائل هستید؟

همایون - ما وظیفه خود می‌دانیم که برای پایان دادن به حکومت قشر آخوند، و در نتیجه برای نوسازی ایران مبارزه کنیم. این تجربه صد ساله ما از انقلاب مشروطه به این سو است که معطل مانده است. زمینه سیاسی این مبارزه هم دست یافتن به شیوه حکومت پیشرفته‌ترین جوامع امروزی است. آنچه در سه سال گذشته در ایران رخ داد، ما را چند گام به هدف نزدیک‌تر کرده است. ما اساساً با مداخله مذهب در حکومت مبارزه می‌کنیم. آنچه را که مردم داخل صریحاً نمی‌توانند بگویند، ما با صراحت بیان می‌کنیم. در واقع ما وارد بهترین دوران مبارزات بیست ساله اخیرمان شده‌ایم؛ به همین دلیل هم نمی‌خواهیم فرصتی را از دست بدهیم! خوشبختانه گفتمان دیروزی «مذهبی» به گفتمان «تجدد» تبدیل شده است. این پیروزی مهمی است. ما خوشحال می‌شویم اگر در این گفتمان سهمی داشته باشیم.